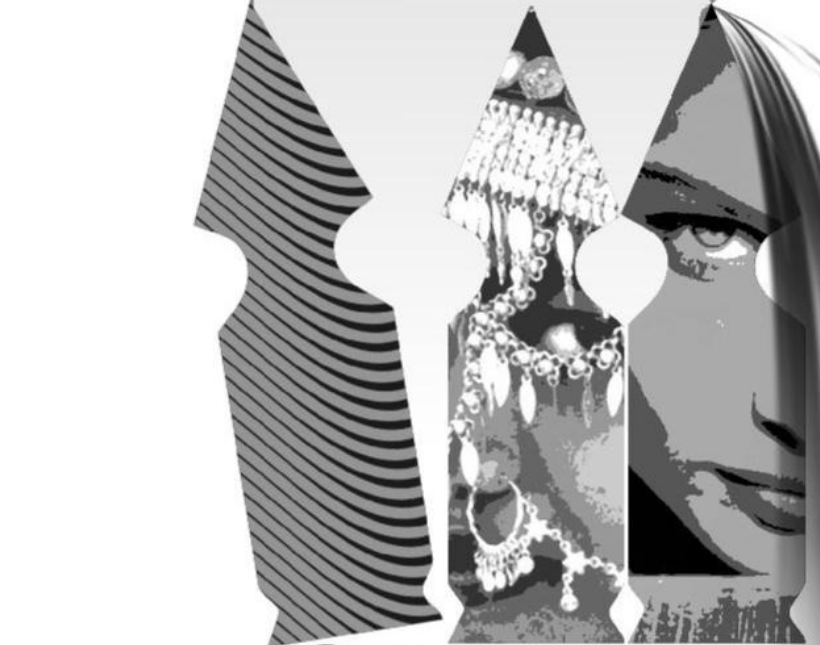


## دختران غرب، زنان شرق و

## سناریوی تکراری



محبوبه ابراهیمی

## اشاره

«استفاده ابزاری از دختران فاسد»

به منظور مفسده انگیزی میان مسلمانان و «مبارزه با حجاب زن مسلمان» با هدف سلب هویت این قشر، دستمایه‌های اصلی غرب در مبارزه با حکومت‌های اسلامی است. نوشته پیش روی، ضمن بررسی نقش مشترک این دو عنصر در اضمحلال تمدن‌های عثمانی و اندلس و تطبیق آن با اوضاع کنونی جامعه مسلمانان ایران، هشدار می‌دهد که جدی در زمینه درک ضرورت مبارزه با معضله بدحجابی، پدیده ماتکن‌های متحرک و طرح‌های فریبنده دشمن که هر یک سعی در انحطاط تمدن ایران و محو نام «زن مسلمان ایرانی» دارد.

بارون‌های اروپا در قصر واتیکان، اقامتگاه پاپ، گرد هم آمده بودند تا در مورد اشغال اسپانیا و خروج آن از چنگ مسلمانان با یکدیگر مشورت کنند. پاپ با قوای کامل، آماده لشکرکشی به اسپانیای مسلمانان بود. اما سران مسیحی به خوبی می‌دانستند که پیش‌نیاز سلطه بر مسلمین، استحاله فرهنگی آن‌ها است. از این رو جلسات متعدد، اروپای مسیحی را به این نتیجه رساند که برای

♦♦ جوانان اندلس که پیش از این، اوقات فراغت خود را با تیراندازی، اسب سواری، شمشیر زنی و مباحث علمی می گذراندند، به پارک‌های ملی و کلوب‌های شبانه روی آورده، به عشق‌بازی با دخترکان نصرانی، مشغول شدند. روحیه جنگ و جهاد در میان این نسل از بین رفت و فساد و خوشگذرانی و رفاه‌طلبی، جایگزین آن شد

♦♦ پنج‌هزار دوشیزه مسلمان به پادشاه قسطنطنیه هدیه شد. در شهر والانس نیز سپاهیان به دوشیزگان و زنان مسلمان تجاوز کردند، دختران را پیش چشم پدران و مادرانشان، بی‌عصمت کردند و به زن‌های مسلمانان در مقابل شوهرانشان دست‌درازی نمودند

با سپاهی به معتصم حمله‌ور شد. بارون‌های اروپا نیز که از دیرباز منتظر وقوع اختلاف میان مسلمانان بودند، با عده‌ای از کشیشان و سپاهیان بسیار به کمک جنرال شتافتند. ابن صمداح، کشته، قصرهایش ویران و سپاه روم بر المریا چیره شد.<sup>۱</sup> فتح المریا، سرآغاز فتوحات بعدی اروپای مسیحی گردید تا جایی که نام اسلام از سرزمین اندلس محو شد و اثری از اسپانیای مسلمان باقی نماند. بدین ترتیب، دختران تربیت شده اروپا، با مفسده‌انگیزی میان جوانان دیندار، زمینه اضمحلال تمدن اندلس را پدید آوردند. زن در اندلس اسلامی و اسپانیای

رفاه‌طلبی، جایگزین آن شد. کشیش‌ها، به این بسنده نکرده و در کنار رودخانه قرطبه، باغ و بستانی در میان مزارع ترتیب دادند و عمارت زیبایی برپا کردند تا امرای مسلمین هم از دختران فاسد نصرانی بی‌بهره نمانند! و روزهای یکشنبه ضمن گردش در باغ، از دیدن این دختران، لذت‌ببرند.<sup>۲</sup> این دسیسه بی‌تأثیر نماند و کار بی‌ناموسی در میان حاکمان اسلامی به شدت شایع شد. معتصم ابن صمداح، امیر مریه (المریا) عاشق دختری مسیحی شد و او را به عنف از پدرش ربود. پدر دختر بلافاصله به جنرال ابن حمود، امیر شیبلیه، پناهنده شد. جنرال که از مدت‌ها پیش با همراهی پاپ، قصد حکومت بر تمام اندلس را داشت، از فرصت استفاده کرد و

تسخیر اذهان اندلسی‌ها، بهره‌مندی از دو حربه ضروری است: اول کشیشان و مبلغان دین مسیح که با نفوذ در میان اسپانیایی‌ها به ترویج دین مسیح و جایگزینی آن به جای اسلام پرداختند، و دوم دختران نصرانی که به وسیله برقراری ارتباط دوستانه با پسران مسلمان، فساد و بی‌بند و باری را در میان این قشر رواج دهند.

به دستور پاپ، پارک‌های بزرگ و گردشگاه‌های عمومی در تمام نقاط اندلس ایجاد شد و عده‌ای از دختران افسونگر مسیحی پس از تعلیمات ویژه، طبق برنامه از پیش تعیین شده، در این گردشگاه‌ها رها شدند. کلوب‌های شبانه مجلل در شهرها بنا شد و دوشیزگان مسیحی به عنوان پیشخدمت و گارسن، به پذیرایی از مسلمانان پرداختند

و بنای دلربایی از پسران اندلس را نهادند. جالب این که کلوب‌های مذکور، در طول شبانه روز به طور رایگان پذیرای جوانان بودند و با طرحی حساب شده، سعی در فریفتن این قشر داشتند.<sup>۱</sup> دیری نپایید که جوانان اندلس که پیش از این، اوقات فراغت خود را با تیراندازی، اسب سواری، شمشیر زنی و مباحث علمی می گذراندند، به پارک‌های ملی و کلوب‌های شبانه روی آورده، به عشق‌بازی با دخترکان نصرانی، مشغول شدند.<sup>۲</sup> روحیه جنگ و جهاد در میان این نسل از بین رفت و فساد و خوشگذرانی و



مسیحی کلیسا، افزون بر این، در اندیشه انحطاط هویت زنان مسلمان در اندلس نیز بود؛ چرا که زنان همانند قشر جوان جامعه در معرض بیش‌ترین آسیب‌های تهاجم قرار می‌گیرند. به گواه تاریخ، پس از ورود اسلام به سرزمین اسپانیا، زنان مسلمان، در مطلوب‌ترین وضعیت به فعالیت‌های اجتماعی، عبادی و خانوادگی مشغول بودند. داستان‌های منقول از اندلس، حاکی از منزلت والای زنان مسلمان نزد حاکمان اسلامی در این دیار است؛ هنگامی که حکم پسر هشام بن عبدالرحمن مشغول دفع اهل ماردة بود، فرنگ‌ها به سرحدات مسلمین طمع کرده و زنی



می کرد، از میان برمی داشتند، به طوری که منقول است ۱۳ هزار نفر از مسلمانان را به گناه دفاع از ناموس، به خاک و خون کشیدند.<sup>۱۰</sup> این فجایع به حدی ادامه یافت که برخی مردان مسلمان، زنان و فرزندان خود را رها کرده و گریختند.

بدین ترتیب، اروپایی‌ها در اندلس به دو هدف اساسی دست یافتند؛ ابتدا دختران فاسد را ملعبه خود قرار دادند و با بهره‌مندی از آنان، فساد را در جامعه و میان جوانان گسترش دادند، سپس با تعرض به زنان مسلمان، ضمن ترویج بی‌ناموسی و پایمال نمودن شخصیت حقیقی زن، پوشش و حجاب این قشر را سلب کردند.

زن در عثمانی اسلامی و ترکیه لائیک

را به اسارت گرفتند. حکم، به محض شنیدن خبر اسارت زن مسلمان، با لشکریان بر فرنگی‌ها تاخت و او را آزاد کرد. آن‌گاه اسیران دشمن را در حضور زن، یکی پس از دیگری گردن زد تا اطمینان یابد که زن مسلمان از او راضی شده است.<sup>۵</sup>

بانوان این دوره همچنین در رتبه‌های نخستین فعالیت‌های ادبی، فرهنگی و فکری قرار داشتند. به گونه‌ای که در تذکرها از شانزده‌زن فرهیخته اندلس در دوران حکومت اسلام نام برده شده است. بیست و دو ادیب، یازده کاتب، چهار نساخ، سه لغوی، دوازده نحوی، شانزده عالم و قاری قرآن، شش عالمه حدیث، هشت زاهد و شش فقیه، در میان زنان آن سرزمین حضور داشتند. افزون بر این،

◆◆ **امپراتوری عثمانی به عنوان یکی از پایدارترین دولت‌های مسلمان، بیش از ۶ قرن در برابر دولت‌های اروپایی ایستادگی کرد. اما نابودی این امپراتوری نیز از مفسده‌انگیزی میان زنان آغاز شد. شعار اصلی عثمانی «احترام به زن» بود**

چهار نفر در تاریخ، یک نفر در حساب و یک نفر در کلام شهرت فراوان داشتند. حتی در تذکرها از زنی نام برده شده که به واسطه دانش قضای، شهره بوده است و زنان دیگر نیز غالباً از دانش پزشکی برخوردار بودند.<sup>۶</sup>

◆◆ **با تبدیل عثمانی مسلمان به ترکیه لائیک، محدودیت زنان مسلمان، روز به روز افزایش یافت. در این دوره، کمال آتاتورک، با مطرح کردن تساوی حقوق زنان و آزادی این قشر، ساختار سنتی و اجتماعی بانوان را بر هم زد و قانون هماهنگ‌سازی پوشش را پایه‌گذاری کرد**

پس از تسلط اروپا بر زنان این دیار، نه تنها استعدادها و اندیشه‌های متعالی این قشر فرهیخته، همپای محور اسلام نابود شد، بلکه مورد وقیحانه تعرض‌های سپاهیان مسیحی قرار گرفتند و از پایبندی به اعتقادات دینی و پوشش اسلامی منع شدند. از سال ۱۴۹۹ مسلمانان به پذیرش کیش مسیحیت ملزم شدند و

امپراتوری عثمانی به عنوان یکی از پایدارترین دولت‌های مسلمان، بیش از ۶ قرن در برابر دولت‌های اروپایی ایستادگی کرد.<sup>۱۱</sup> اما نابودی این امپراتوری نیز از مفسده‌انگیزی میان زنان آغاز شد. شعار اصلی عثمانی «احترام به زن» بود.<sup>۱۲</sup> و زنان، دوشادوش مردان در تمام صحنه‌های زندگی حضور داشتند و در دربار عباسی نیز از جایگاه ویژه برخوردار بودند. ارزش زنان در طول حکومت عثمانی به حدی بود که در قرن ۱۶، اگر مردی با زن خود تندی می‌کرد، به دستور دادگاه مجازات می‌شد.<sup>۱۳</sup> زنان مؤمن، در تمدن عثمانی از جایگاه‌های ویژه برای عبادت بهره‌مند بودند و افزون بر این، در زمینه‌های گوناگون فرهنگی از جمله خطاطی، شعر، نویسندگی و تأسیس

بلافاصله به بهانه نفاق، آن‌ها را به محکمه تفتیش عقاید کشانده و ۳ هزار نفر که تقریباً نیمی از آنان را زنان تشکیل می‌دادند، به حکم دادگاه سوزاندند.<sup>۷</sup>

در جریان فتوحات، حجاب را از زنان مسلمان برگرفتند. همچنین ایلدونس پس از فتح قرطبه، دستور داد تا ۵۰ دختر از دوشیزگان اشراف و بزرگان مسلمان را در میان امیران ارتش مسیحی تقسیم کنند.<sup>۸</sup> ۵ هزار دوشیزه مسلمان به پادشاه قسطنطنیه هدیه شد. در شهر والانس نیز سپاهیان به دوشیزگان و زنان مسلمان تجاوز کرده، دختران را پیش چشم پدران و مادرانشان، بی‌عصمت کردند و به‌زن‌های مسلمانان در مقابل شوهرانشان دست‌درازی نمودند.<sup>۹</sup> در این حال هر که را از ناموس خود دفاع

♦♦ امروزه استفاده  
ایزاری از زنان فاسد،  
به منظور اشاعه فحشا  
در میان قشر جوان  
و به دنبال آن،  
براندازی حکومت  
اسلامی، مطابق آنچه  
در اندلس به وقوع  
پیوست، در ایران  
نیز دنبال می‌شود



آزادی زنان، با هدف گسترش پوشش‌های کاذب و الگو گرفته از غرب و همچنین ایجاد روابط آزاد دختر و پسر و مقابله جدی با حجاب از سوی جریان‌های سیاسی دفاع از حقوق زنان دنبال شد. بلافاصله مطبوعات داخلی و خارجی به این مباحث دامن زدند و ویژه نامه اکونومیست چاپ انگلیس، بی‌پرده پیشنهاد برقراری روابط آزاد زن و مرد و برداشتن حریم‌های اخلاقی میان دو جنس، و حذف حجاب را مطرح کرد.<sup>۱۸</sup> تشویق دختران به حضور در ورزشگاه‌ها و شبه‌افکنی درباره پوشش مشکلی دختران، در این دوره شکل گرفت. این در حالی بود که به نام توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی با عناوین فریبنده‌ای سعی در به کارگیری زنان در مراکز داشتند تا از آنان به عنوان کارگران ارزان و مطیع بهره ببرند.

از دیگر سو، اندیشه مخرب فمینیسم نیز به صورت یکی از نسخه‌های نجات زنان مطرح شد و از آن جایی که با هیچ یک از ارکان اسلام سازگار نبود، پس از مدتی با افزودن پسوند «اسلامی» برای غربی نمودن زنان تحت لوای «فمینیسم اسلامی» تلاش شد. طرح‌هایی مشابه «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» نیز از دیگر طرح‌های غربی است که پس از مدتی مورد قبول برخی سیاستمداران داخلی قرار گرفت؛ در حالی که کشورهای مدعی ارائه این گونه طرح‌های اصلاحی در امور زنان، زن را در نازل‌ترین درجه انسانی قرار داده‌اند و فقط در نمایشگاه لباس و سیما و نشریات از وی برای رسیدن به پول بهره می‌برند و در هنگام پیروی، او را از جامعه طرد می‌کنند.

نسخه‌های مشابه موارد مذکور، هر روز از سوی غرب برای زنان کشورهای اسلامی به ویژه ایران در حالی پیچیده می‌شود که هیچ‌ارگانی، وظیفه خطیر فرهنگ‌سازی در امر حجاب و پوشش اسلامی زنان را بر عهده ندارد. حال آنکه به نظر می‌رسد با برنامه‌ریزی صحیح از سوی نهادهای مسؤول، زمینه‌سازی جهت تحقق این هدف، چندان دشوار و غیر ممکن نباشد؛ همان گونه که طبق تحقیقات انجام گرفته توسط شورای فرهنگی - اجتماعی زنان در سطح مناطق تهران، ۷۸ درصد شهروندان، رعایت حجاب در جامعه را ضروری دانسته‌اند.<sup>۱۹</sup>

قدر مسلم این که دشمنان قسم خورده اسلام، برای تسلط بر اذهان عمومی ایرانیان، همانند آنچه در اندلس و عثمانی

این کشف حجاب و مبارزه علنی با پوشش زنان مسلمان، در ادامه به مدارس و دانشگاه‌ها کشیده شد و دانشجویانی که با روسری به کلاس درس می‌رفتند، به جرم تخلف از قوانین، از ادامه تحصیل محروم شدند.

بر این اساس، حجاب زنان مسلمان ترکیه، امروز تهدیدی علیه نظام لائیک محسوب می‌شود و زنان اسلام‌گرای این کشور که خواهان فرهنگ خودی و حفظ هویت اصیل اسلامی هستند، عمدتاً تحت فشار قرار دارند.

**زن در ایران**

با کمی تأمل در وجوه مشترک اضمحلال دو تمدن اندلس و عثمانی، و نقش بنیادی زنان در این انحطاط، به راحتی می‌توان به توطئه براندازی چادر و حجاب برتر زنان مسلمان پی برد، که سال‌ها است از سوی اروپا رهبری می‌شود.

آغاز این سناریوی از پیش طراحی شده در ایران، به زمان رضاشاه برمی‌گردد؛ هنگامی که در مراسم اعطای دیپلم به فارغ التحصیلان دانشسرای عالی تهران، بانوان وزرا، نخست‌وزیر و همسر و دختران شاه رسماً برای اولین بار بدون حجاب ظاهر شدند و این روز به نام «روز آزادی زنان» نامگذاری شد.<sup>۲۰</sup> البته در آن زمان، بانوان فهیم ایران اسلامی به مبارزه با این غائله شوم پرداختند. اما پس از پیروزی انقلاب، مسؤولان به تصور سلامت وضعیت جامعه و بقای فضای موجود، از برنامه‌ریزی جهت استمرار فرهنگ حجاب و عفاف غافل شدند؛ در نتیجه این ویروس به سرعت در جامعه پراکنده شد و سیستم دفاعی جامعه در مقابل تهاجمات و شبهات پیرامون حجاب، ضعیف‌تر گردید. از نخستین سال‌های دهه ۷۰ و به ویژه از سال ۱۳۷۵ بار دیگر موضوع

انجمن‌های مختلف نیز فعال بودند. پس از پایان جنگ جهانی اول، به دلیل اوضاع اجتماع، زنان به مشاغل گوناگون روی آوردند و این مسئله به یکی از جدی‌ترین مسائل تبدیل شد. با ورود زنان به کارخانه‌های تهیه مهمات، مواد غذایی، بانک‌ها، ادارهای پست، بیمارستان‌ها و ادزهای مرکزی و استانی، در مورد پوشش زنان سیاست‌های دولتی وضع شد و از آن زمان، به تدریج، مد اروپا در میان زنان رواج یافت، به طوری که اروپایی شدن به صورت یک مسابقه بین زنان سرعت پیدا کرد و پوشش مطابق با اسلام، از جامعه زنان عثمانی مسلمان رخت بریست.<sup>۲۱</sup>

با گذشت زمان، افکار سیاسی آن دوران به سه گروه غرب‌گرا، اسلام‌گرا و ملی‌گرا تقسیم شدند. غرب‌گرایان به شدت به مبارزه با حجاب پرداختند و آن را عادت قدیم زنان معرفی می‌کردند. این گروه، حجاب را سبب محدودیت و تحقیر زن می‌دانستند.

اسلام‌گرایان نیز با تقلید کورکورانه از غرب، رهایی زن در انتخاب نوع پوشش را تبلیغ می‌کردند<sup>۲۲</sup> و بدین ترتیب بحث عدم محدودیت در پوشش بانوان، در دوران پیش از جمهوری ترکیه پایه‌گذاری شد.

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، با تبدیل عثمانی مسلمان به ترکیه لائیک، محدودیت زنان مسلمان، روز به روز افزایش یافت. در این دوره، کمال آتاتورک، با مطرح کردن تساوی حقوق زنان و آزادی این قشر، ساختار سنتی و اجتماعی بانوان را بر هم زد و قانون هماهنگ‌سازی پوشش را پایه‌گذاری کرد. به موجب این قانون که در سال ۱۹۲۶ به تصویب رسید، پوشیدن چادر و حفظ حجاب رسماً از سوی دولت ممنوع اعلام شد.<sup>۲۳</sup>

گذشت، از راه سلب حجاب زنان و نابودی عفت و حیای آنان وارد شده‌اند. از این رو کارآمدترین راه پیش روی جمهوری اسلامی ایران برای حفظ نظام و پایداری آن، این است که دستگاه‌های مسؤول ضمن اطلاع رسانی بهنگام درباره نقشه‌های شوم استکبار که هر روزه به نام «دفاع از حقوق زنان» و در قالبی نو و همراه با عناوین دلغریب و جذاب از سوی غرب و با همکاری عناصر داخلی ارائه می‌شود، به تبیین فلسفه و محدوده حجاب بپردازند. همچنین مراکز آموزشی و پرورش، آموزش عالی، صدا و سیما و وزارت ارشاد - البته از نوع اسلامی آن - با ارائه الگوهای مناسب، از سنین نوجوانی و جوانی، دختران را با این مهم آشنا سازند. در غیر این صورت، آنچه در عثمانی از طریق عائله کشف حجاب آتاتورک رخ داد و آنچه در اندلس پس از سلطه اروپای مسیحی در جامعه زنان وارد شد، در ایران نیز تکرار خواهد شد و این بار زنان کفرستیز ایرانی، در معرض حملات مصیبت‌بار دشمن قرار خواهند گرفت.

افزون بر آنچه گفته شد، امروزه استفاده ابزاری از زنان فاسد، به منظور اشاعه فحشا در میان قشر جوان و به دنبال آن، براندازی حکومت اسلامی، مطابق آنچه در اندلس به وقوع پیوست، در ایران نیز دنبال می‌شود. به تعبیر مقام معظم رهبری «همان کاری را که در اندلس، در قرن‌های گذشته کردند، یعنی جوانان را در عالم به فساد و شهوترانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند، این کار حالا هم انجام می‌گیرد. من بارها گفته‌ام عده‌ای وقتی در خیابان نگاه می‌کنند و زنانی را می‌بینند که حجابشان قدری ناجور است، دلشان خون می‌شود.»<sup>۱</sup> به واقع طرح اندلسی کردن ایران، برگ دیگری از سناریوی اروپا و آمریکا برای ممالک اسلامی است؛ با این تفاوت که اگر در اندلس، دختران مسیحی از طریق مرزهای جغرافیایی و با توافق دولت اسلامی، وارد شده و به ترویج فحشا پرداختند، مرزهای جغرافیایی ایران، از هر سو بر این دخترکان اسلام ستیز بسته است.

اما این بار تهاجم از مرزهای فراجغرافیایی مانند شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی و محصولات فرهنگی صورت می‌گیرد. سایت‌های اسرائیلی و اروپایی و حتی برخی سایت‌های به اصطلاح اسلامی، در بر دارنده تصاویر مستهجن و تحریک کننده همین دخترکان



## ◆◆ مبدا تمدنی عظیم مانند ایران اسلامی به سرنوشت تمدن‌های اندلس و عثمانی دچار شود و هویت زن مسلمان ایرانی، در منجلاب بی‌هویتی زنان اندلس و ترکیه فرو رود

غربی هستند. این آفت پرخطر، به سرعت اذهان جوانان ما را تسخیر می‌کند و پرده نجابت و پاکدامنی را از مقابل دیدگان آن‌ها کنار می‌زند. بخش فراوانی از جوانان نیز به بهانه استفاده از تکنولوژی و پیوستن به شبکه جهانی، مسحور این مفاسد شده، در ورطه فساد اخلاقی فرو می‌روند. جالب این که اگر دستگاه مسؤولی، متولئی فیلترگذاری این فسادهای فراگیر شود، رادیوهای بیگانه و مطبوعات خارجی و دست نشانده‌ها و پایگاه‌های داخلی آن‌ها، در صدر لیست مدافعان آزادی جوانان ایران قرار می‌گیرند!

عروسک‌های عریان، نیمه عریان و تحریک کننده‌ای نیز که با خواندن ترانه‌های فارسی و عربی و انگلیسی، و رقص با جنس مخالف، در مغازه‌ها عرضه می‌شوند، نمونه بی‌روح همان دخترکان غربی هستند. همچنین تصاویر رنگی هنرپیشه‌های زن ایرانی در حالی که به جای روسری و چادر و مقنعه، کلاه بر سر دارند و تصاویر زن‌های هنرپیشه و خواننده خارجی روی جا کلیدی‌ها، آلبوم‌های عکس و حتی لوازم آشپزخانه، همانند حمله فرامرزی آن دختران فریب خورده غربی است که انتشار تصاویرشان، تنها با هدف انحراف فکری جوانان صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر، مانکن‌های متحرکی که با تقلید کورکورانه از غرب، در سراسر خیابان‌ها و شهرها پراکنده شده، برخلاف گذشته تنها به مناطق شمالی تهران محدود نمی‌شوند، دستاوردهای داخلی اروپا و آمریکا در کشور ما هستند که شبانه روز، در خدمت مفسده‌انگیزی میان جوانان می‌باشند. این نمونه‌های بیان شده در سرزمین مقدس ایران، هشدارهایی هستند که در طول سال‌های استقرار نظام جمهوری

### پی‌نوشت‌ها

۱. عبد الجواد قریب، غروب آفتاب در اندلس، ص ۱۲.
۲. سیدعلی محقق، اندلس سرزمین خاطره‌ها، ص ۷۱.
۳. عبد الجواد قریب، پیشین، ص ۹.
۴. همان، ص ۱۰.
۵. محمد ابراهیم آیتی، اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، ص ۶۱.
۶. سلمی خضری‌جوسسی، میراث اسپانیایی مسلمان، ترجمه محمدتقی اکبری و دیگران، ص ۲۱۲.
۷. محمد ابراهیم آیتی، پیشین، ص ۲۰۰.
۸. عبد الجواد قریب، پیشین، ص ۱۷.
۹. همان، ص ۱۵.
۱۰. سیدعلی محقق، پیشین ص ۷۴.
۱۱. اسماعیل احمدی‌نقی، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، ص ۸۷.
۱۲. مجموعه مقالات برگزیده دومین همایش بانوان اندیشمندان جهان اسلام، آسیب‌شناسی فرهنگی زنان در جوامع اسلامی، ص ۱۰۸.
۱۳. همان.
۱۴. همان، ص ۱۱۱.
۱۵. همان، ص ۱۱۲.
۱۶. همان، ص ۱۰۸.
۱۷. تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۱۳۳.
۱۸. محمدرضا زیبایی‌نژاد و محمدتقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ج ۱، ص ۱۷۹.
۱۹. روزنامه جوان، ۱۷ شهریور ۱۳۸۳.
۲۰. WWW.Khamenei.ir.